

## باسمه تعالی

- ۲ ..... **اوامر**
- ۲ ..... **صیغه امر**
- ۲ ..... جمله های خبریه در مقام انشاء
- ۲ ..... ظهور جمله خبریه در وجوب و آکدیت آن
- ۲ ..... بیان اول: قرینه خاصه در جمله خبریه
- ۳ ..... بیان دوم: نیاز عدم وجوب به بیان زائد
- ۳ ..... الغاء قید آکدیت از جمله خبریه در مقام انشاء
- ۴ ..... الغاء آکدیت بر مبنای ابراز امر اعتباری
- ۴ ..... الغاء آکدیت بر مبنای مشهور (غیر از آخوند)
- ۴ ..... الغاء آکدیت بنا بر مبنای مرحوم آخوند
- ۵ ..... ارتکاز بر اتحاد معنای جملات اخباری و انشائی

**موضوع:** جمله خبریه در مقام انشاء / صیغه امر / اوامر

### خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد جمله های خبریه ای بود که در مقام انشاء صادر شده اند. گفته شد به مشهور نسبت داده شده است که قائل به اجمال شده اند زیرا چنین جمله هایی ظهور در اخبار ندارند زیرا ممکن است کذب لازم بیاید فلذا باید معنای مجازی مراد باشد و چون معنای مجازی متعدد است (زیرا ممکن است طلب وجوبی باشد و یا طلب ندبی باشد و یا اصل طلب باشد) و اقرب به معنای حقیقی هم نداریم، جمله خبریه مجمل می شود زیرا ترجیح هر کدام بر دیگری ترجیح بلا مرجح است. مرحوم آخوند فرمود چنین جمله هایی ظهور در وجوب دارند که در این جلسه به بیان این مطلب پرداخته خواهد شد.

**اوامر****صیغه امر****جمله های خبریه در مقام انشاء****ظهور جمله خبریه در وجوب و اکدیت آن**

مرحوم آخوند فرموده است 'جمله های خبریه ای که در مقام انشاء هستند ظهور در وجوب دارند بلکه نسبت به ظهور صیغه امر در وجوب، آکد است. اما به مشهور نسبت داده شده است که قائل به اجمال چنین جملاتی هستند. مرحوم آخوند به دو بیان مطلوب خود را اثبات می کند.

**بیان اول: قرینه خاصه در جمله خبریه**

اولا جملات خبریه ای که در مقام انشاء هستند، در همان معنای موضوع له استعمال شده اند یعنی در ثبوت نسبت در قضیه موجب و عدم ثبوت نسبت در قضیه سالبه استعمال شده اند مثلاً (الجنب یغتسل) در ثبوت نسبت اغتسال برای جنب استعمال شده است ولی داعی انشاء است و داعی جزء موضوع له نیست.

و ثانیاً منشا دلالت بر وجوب و آکد بودن این دلالت عبارت است از ثبوت نسبت در جمله خبریه که کاشف از عدم رضایت شارع به ترک است. آن قدر طلب اکید دارد نمی خواهد امر کند زیرا در امر کردن فرض این است که قبلاً محقق نشده و می خواهد با امر محقق بشود. بر خلاف جمله خبریه که کاشف از حب اکید به صدور فعل از مامور است. فلذا دلالت بر وجوب چنین جملاتی نسبت به صیغه امر ابلغ است زیرا غیر از این که اراده امتثال کرده است آن را محقق و مفروغ عنه فرض کرده است. در عرف نیز این گونه است که بعضی اوقات مولی چند امر دارد ولی نسبت به یک فعل جمله خبریه می آورد و می گوید شما این کار را انجام می دهی. در این فقره ظهور قوی تری نسبت به تحقق فعل احساس می شود.

ان قلت: اگر جمله خبریه در ثبوت نسبت استعمال شده باشد ای چه بسا کذب لازم می آید زیرا گاهی اوقات در خارج محقق نمی شود. مثلاً در الجنب یغتسل این گونه نیست که همه مکلفین غسل کنند.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۷۱.

قلت: کذب در جایی رخ می‌دهد که داعی حکایت باشد و در صورت عدم مطابقت کذب لازم می‌آید اما در جایی که به داعی انشاء باشد متصف به صدق و کذب نمی‌شود مانند سایر کنایات که مثلاً گفته می‌شود (زید کثیر الرماد) کذبی نسبت به کثرت رماد و عدم آن لازم نمی‌آید زیرا به داعی جود گفته شده است فلذا اگر زید جود نداشته باشد کذب لازم می‌آید و لو این که خاکستر زیادی هم داشته باشد زیرا قصد حکایت نسبت به جود داشت.

### بیان دوم: نیاز عدم وجوب به بیان زائد

ظهور جمله خبریه در مقام انشاء در وجوب به خاطر اطلاق است زیرا جمله خبریه که استعمال شد در ابتداء مردد بین سه امر است طلب اکید و طلب خفیف و طلب جامع. و از طرفی طلب خفیف و جامع طلب نیاز به قرینه زائد دارند به خلاف طلب اکید که به خاطر مناسبت طلب اکید با ابراز تحقق نیاز به بیان زائد وجود ندارد و همین مناسبت مرجح است برای این که نیاز به بیان زائد نداشته باشد. ولی در طلب خفیف و جامع طلب این مناسبت وجود ندارد پس برای افهام آنها نیاز به بیان وجود دارد.

به عبارت دیگر: این که به مشهور اجمال را نسبت داده اند وجه اجمال این است معنای حقیقی که اراده نشده است و از طرفی معنای مجازی مردد بین سه امر است و هیچ کدام اقرب به معنای حقیقی نیست فلذا مجمل می‌شود اما مرحوم آخوند می‌فرماید معنای طلب اکید اقرب به معنای جمله خبریه است. وقتی گفته می‌شود (الجنب یغتسل) طلب اکید اقرب به معنای حقیقی است. بر خلاف طلب خفیف و جامع طلب که با معنای حقیقی مناسبت ندارد زیرا ثبوت نسبت با خفیف بودن طلب و جامع طلب مناسبت ندارد و نیاز به بیان دارد.

### الغاء قید آکدیت از جمله خبریه در مقام انشاء

مرحوم خوئی<sup>۱</sup> ظهور جمله خبریه در وجوب را قبول دارد و طبق مبنای خودش فرموده است هر کجا ترخیصی از جانب شارع نیامد وجوب فهمیده می‌شود اما این که آکد نیز باشد درست نیست و فرقی از این جهت بین جمله خبریه که مشترک بین مقام اخبار و انشاء است و بین صیغه امر که مختص به انشاء است، نیست.

۱. محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۱۳۴.

**الغاء آكدیت بر مبنای ابراز امر اعتباری**

بر مبنای ابراز، ادعای آكدیت در جمله های خبریه در مقام انشاء صحیح نیست. زیرا همان طوری که صیغه امر برای ابراز امر اعتباری است، جمله خبریه در مقام انشاء نیز برای ابراز امر اعتباری وارد شده است مثلاً در هر دو اعتبار غسل بر ذمه مکلف است و تنها، چیزی که به وسیله آن ابراز شده است متفاوت است و هر دو شان ابراز دارند و مبرز نیز واحد است

**الغاء آكدیت بر مبنای مشهور (غیر از آخوند)**

بر مبنای تفسیری که مشهور (غیر از مرحوم آخوند) قائل هستند و می گوید جمله انشائیه و خبریه از جهت ایجاد و عدم ایجاد متفاوت است یعنی در مستعمل فیه جمله های انشائیه ایجاد دخیل است ولی در مستعمل فیه جمله های خبریه ایجاد دخیل نیست. بنا بر این با جمله الجنب یغتسل که در مقام انشاء صادر شده است همان چیزی را ایجاد می کند که با اغتسل که با صیغه امر ایجاد می کند بر خلاف جمله خبریه ای که در مقام انشاء نباشد و ایجاد در مستعمل فیه آن اخذ نشده است در چنین صورتی باز هم فرقی بین صیغه امر و جمله خبریه در مقام انشاء نیست زیرا در هر دو ایجاد نسبت طلبیه است.

**الغاء آكدیت بنا بر مبنای مرحوم آخوند**

آكد بودن تنها بر مبنای مرحوم آخوند متصور است که البته مبنای ایشان نیز باطل است زیرا ایشان می گوید جمله خبریه در مقام انشاء همان ثبوت نسبت است و با جمله خبریه ای که در مقام انشاء نباشد فرقی ندارد فقط اختلاف آنها در داعی است بنا بر این مبنا اگر گفته شود (الجنب یغتسل) مفادش ثبوت اغتسال برای جنب کاشف از رضای اشد است و طلب آكد است زیرا ثبوت نسبت مناسبت زیادی با وجوب آکید دارد در حالی که این مبنا باطل است زیرا اگر بنا باشد جمله خبریه در مقام انشاء در همان معنایی باشد که در مقام اخبار است لازمه اش این است که صحیح باشد که هر جمله خبریه ای در مقام انشاء به جای انشاء استعمال شود چون معنای آنها واحد است مثلاً به جای (الجنب یغتسل) باید بتوان گفت (الجنب اعاد). و به جای (قم) باید صحیح باشد که گفته شود (زید قائم) در حالی که این استعمال به جای یکدیگر صحیح نیست و فقط جمله خبریه مشتمل بر فعل مضارع می تواند در مقام انشاء قرار بگیرد فلذا کشف می شود که جمله خبریه با جمله انشائیه متفاوت است و حاکم به این تفاوت طبع است. حال که معنای آنها متحد نبود پس استعمال جمله خبریه در انشاء مجازی است فلذا بعضی از مجاز ها را طبع قبول می کند مانند استعمال صیغه مضارع در مقام انشاء. و در بعضی قبول نمی کند مانند استعمال ماضی در مقام انشاء. بر خلاف این که معنای حقیقی جمله انشائیه و خبریه متحد باشند که دیگر ربطی به طبع ندارد و باید در همه جا استعمال یکی به جای دیگر صحیح باشد در حالی که این گونه نیست.

از جمله منبّهاتی که معنای الجنب یغتسل اخباری و الجنب یغتسل انشائی از نظر معنا متفاوت است نحوه ادای آنها است که در جایی که قصد حکایت است با رخوت گفته می‌شود و در انشائی با تاکید و شدت ابراز بیان می‌شود.

### ارتکاز بر اتحاد معنای جملات اخباری و انشائی

ادعای مرحوم آخوند اقرب به ذهن است که اخبار و انشاء از دواعی هستند و در مستعمل فیه دخیل نیستند مثلاً در بعث اسناد بیع به فاعل است حال یک بار به داعی انشاء گفته می‌شود و یک بار به داعی اخبار و حکایت از واقع، گفته می‌شود. فلذا ارتکاز بر اتحاد معنای بعث در اخبار و انشاء است.

اما نقض مرحوم خوبی که عمده بحث نیز همین مطلب است در جلسه آینده خواهد آمد.